

باقی می‌گوید درباره سند چنین مدعایی هرچه بیشتر کاویده‌ام، کمتر یافته‌ام؛ یعنی تا امروز یک نفر را ندیده‌ام که برای این سخن یک دلیل قانع‌کننده بیاورد.

عمادالدین باقی پاسخ می‌دهد؛



به گزارش اسپادانا خبر، عمادالدین باقی در یادداشتی در روزنامه اعتماد با اشاره به اینکه عده‌ای مرحوم آیت‌الله منتظری را ساده لوح دانسته‌اند، نوشته است: درباره سند چنین مدعایی، در این ۳۰ سال هرچه بیشتر کاویده‌ام، کمتر یافته‌ام؛ یعنی تا امروز یک نفر را ندیده‌ام که برای این سخن یک دلیل قانع‌کننده بیاورد.

در نتیجه این پرسش ایجاد می‌شود که چرا این اتفاق می‌افتد. پاسخ را می‌توان در نظریه معروف فرافکنی در روان‌شناسی جست.

اگر افرادی قبل یا اوایل انقلاب از هوشمندی آیت‌الله منتظری می‌گفتند و پس از آن قائل به ساده‌اندیشی او شدند، ایراد متوجه آنهاست که تغییر رأی دادند؛ نه متوجه آیت‌الله منتظری؛ اما به لسان طلبگی می‌توان گفت، عدالت از امور اثباتی و علمیت و فراست از امور ثبوتی‌اند. ممکن است شخصی با یک دروغ از عدالت ساقط شود؛ ولی علمیت از امور ثبوتی است و ساقط نمی‌شود. فراست و هوشمندی نیز از امور ثبوتی است نه اثباتی؛ یعنی این صفات زایل‌شدنی نیستند؛ مگر به زوال وجود شخص.

اما این اتهام دو عارضه دارد: یکی اینکه اصل انقلاب و نظام را هدف می‌گیرد. دوم اینکه خود مسئولان انقلاب و نظام را هم در معرض اتهام قرار می‌دهد و شنونده می‌گوید اگر او ساده‌اندیش بود، چرا دیگران او را تأیید و ترویج کردند. از بیان مصادیق و نقد آنها که فعلاً میسور نیست، می‌گذرم. منابع خبری و کانال‌های اطلاعاتی آیت‌الله منتظری آن قدر متعدد بود که امکان کانالیزه شدن او وجود نداشت و در دفتر او نیز تکثر وجود داشت. در خانه او و در ذهن او به روی همه باز بود. هنگامی که مرحوم سیداحمد خمینی در رنج‌نامه‌اش خطاب به آیت‌الله منتظری می‌نویسد: شما نقش تعیین‌کننده‌ای در تثبیت مرجعیت امام داشتید و آقای حمید روحانی در جلد نخست کتاب بررسی و تحلیل نهضت امام خمینی که با ویرایش و نظر امام خمینی در نجف منتشر شد، از آیت‌الله منتظری به عنوان رهبر انقلاب در داخل کشور یاد کرده است و مسئولان و همراهان انقلاب همواره از او به عنوان دوم‌شخص انقلاب یاد کرده‌اند.

برچسب‌ها: [تاریخ](#) [1]

[انقلاب](#) [2]